

انگيلا ميركيل و سرمايه داري نيوليبرال

روز سوم اکتوبر ۲۰۰۹ نقطه اوج آستان بوسی های انگيلا ميركيل نخست وزير جديد و اسبق آلمان در برابر رهبران و نماینده گان مردم امريکا و سردمداران سيستم نيوليبرال سرمايه داری بود.

به وضاحت دیده شد که آمريکائی های "فرمانروا" بالای اتحادیه اروپا و بطور مشخص آلمان که هنوز هم ادعای تعیین سرنوشت قبلی، بعدی و آینده آنان را از آن خود میدانند و هیچگاهی در برابر کدام نماینده یی از آلمان بپا نه خاسته بودند، این بار در برابر خانم ميركيل همه پرده های خود خواهی، خود کامگی و هژمونی طلبی را فرا دریده و در برابر وی در پایان هر پاراگراف صحبتش، خواه در خور بپا ایستن و کف زدن ممتد بود یانه، همه این سناریو را بعد از مکث اندک خانم ميركيل بجا می آوردند.

ميركيل پیام آور چندین مسأله بنيادی سیاسی، اقتصادی و نظامی برای امريکایی ها و اداره باراک اوباما بود:

۱. مسأله چگونگی جنگ افغانستان و "انتخاب" رئیس جمهور دلخواه شان حامد کرزی.

۲. ايران و مسائل مربوط به برنامه های اتمی آنکشور.

۳. اسرائیل به مثابه جزء لا ینفک سیاست خارجی ایالات متحده و اتحادیه اروپا

۴. کثافت هوا و محیط زیست و شیوه های جلوگیری از آن.

اگر در مسائل فوق دقت کنیم، همه استقامت های کاری استراتژیک و تاکتیکی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در تبانی با دستیاران منطقوی و بین القاروی شان عجالاً در همین گستره گلوبال میچرخد. که هر بخش آن ضرورت به بحث های طولانی دارد ولی کوشش میکنم تا این بحث را کاملاً فشرده ارائه دارم.

۱. مسأله جنگ افغانستان که در ظاهر گویا از اداره امریکائی ها و ناتو خارج شده یک دروغ محض است که با استفاده از دستیاران محلی شان چه طالبان و چه مجاهدین و دستیاران منطقوی چه حکومت مزدور پاکستان و چه ارتجاع عرب به آن مهر صحت میگذارند، ولی در واقعیت در پی تسجیل حضور نامعلوم غرض بر آورده ساختن خواسته های استراتژیک شان هستند.

در همه جا سخن از پلانها و یا خواسته های استراتژیک است، هدف کدام مطالب است؟

جنگ آینده جهان روی مسائل انرژی میچرخد که نمیتوان آنرا نادیده گرفت. ولی اکنون تمام قدرتهای اقتصادی جهان در پی آن اند تا هرچه بیشتر از رقبای شان پیشی گیرند و این مواضع را در تصرف خویش در آورند. به همین منظور امریکائی ها و ناتو در صدد تسخیر مناطق نفت خیز و دارای ذخائر بزرگ زیر زمینی در آسیای میانه و ایران هستند، تا باشد از اینطریق به کشیدن حلقه مستحکم به دور روسیه به خصوص بعد از ایجاد سازمان همکاری (آر. آی. سی) روسیه، هندوستان و چین، سائر خواسته های طویل المدت شان را پی ریزی کنند.

اینکه طالبان بوسیله هلیکوپتر ها به شمال افغانستان انتقال و بعداً ناپدید میشوند چه علت دیگری جز انتقال آنان به مناطق تحت الحمايه امریکا- ناتو داشته میتواند؟

در پهلوی این همه مسائل موجودیت یک رژیم چاکر تحت زعامت کرزی که آستانبوس تر از انگیلا میرکیل است امر بسیار جدی تلقی میگردد. بناءً با فشاری روی انتصاب مجدد وی و همچنان هزینه جنگی ۱۳۰ میلیارد دالری امریکا- با وجود دفع الوقت نسبتاً طولانی اوباما- برای عراق و افغانستان خیالی نیست. آقای کرزی با احساس کاملاً انسانی "به زمینه های کشت تریاک و خشخاش مساعدت بیشتر از پیش میکند و آنچه ضرورت حامیانش باشد دریغ نمیکند، زیرا آنها از یک شخص بد نام، ناجی قرن بیست و یکم را تراشیدند و دوباره برمسنند قدرت تکیه دادند. این بار وی اندکی دموکرات شده و درآمد مواد مخدر را میان همقطارانیش تقسیم میکند و چنین تصور دارد که جلو فساد اداری را میگیرد.

امریکا- ناتو که دیگر در فکر ژاندارم منطقه سالهای بعد از جنگ دوم جهانی الی سالهای هشتاد سده بیستم نیستند، بلکه در تکاپوی به یوغ کشیدن ایرانیها بوده، این بار با ایران از

دیدگاه " دارنده " سلاح اتمی برخورد خواهند کرد و همه مساعی را غرض به زانو درآوردن ایران مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان حتی استفاده بخاطر مقاصد صلح آمیز را از منابع اتمی برای ایران مجاز نمیدانند. من نمیخواهم از رژیم آخوندی ایران دفاع کنم، ولی این را تأکید میکنم که با بروز جنگ در ایران همانند افغانستان دلقک های دیگری چون کرزی و المالکی به قدرت راه داده شده، قربانی اصلی را مردم ایران میدهد و وضع زنده گی شان هم نه تنها اینکه بهبودی نمی یابد، بلکه به مراتب وخیمتر گردیده و فقر دامنگیر شان خواهد گردید.

۳. امریکا- ناتو که از ساخته صهیونیستی شان اسرائیل با همه پافشاری دفاع میکنند و آنرا بزرگترین نمونه دموکراسی در منطقه می نامند، اینک دیگر همه نورمهای انسانی را زیر پا گذاشته و در صدد بستن منابع آب در برابر فلسطینی ها بودند که آنرا عملی نیز ساخته اند و از جانب حامیان بین المللی شان در اروپا و در گام نخست آلمان که خود را در برابر یهودان مقصر دانسته و حقوق بنیادی فلسطینی هارا مردود می شمارند، اولاً پشتیبانی شده و بعداً خود را با اسرائیل در یک صف قرار میدهند که به گفته میرکیل «کسیکه اسرائیل را تهدید میکند، مارا نیز مورد تهدید قرار میدهد*». به این ترتیب اهمیت وضع بهتر درک شده میتواند.

۴. درین زمینه تردیدی وجود ندارد که کشور های صنعتی جهان و کشور های در حال گذار به سرمایداری مقصر اصلی این همه فاجعه های طبیعی اند. نسبت بلند رفتن درجه حرارت کره زمین یخچال ها در حالت آب شدن است. سطح آبهای بحری الی یکمتر افزایش یافته و زمین لرزه های بحری و مناطق خشکه بیشتر به عناصر تهدید کننده جامعه انسانی مبدل شده اند. از بین بردن جنگل ها و مناطق سبز غرض استفاده برای محلات رهائشی، صنعتی و خطوط مواصلاتی همه و همه تغییرات محسوسی را در افزایش حرارت کره زمین سبب گردیده و بالاخره تغییرات موسمی و فصلی را بار آورده اند که عدم جلوگیری از آن باعث فاجعه های غیر قابل کنترل چون کثیف شدن هر چه بیشتر هوا و محیط زیست گردیده، که بشریت از مهار کردن آن عاجز خواهد ماند. مقصر اصلی در پهلوی تعدادی از کشور ها یکی هم ایالات متحده امریکا است که استدلال شان در زمینه کاملاً ضد انسانی و متکی بر کرکتر اصلی سرمایداری میباشد. و آن اینکه با پذیرش و امضای این قرار داد صنایع ایالات متحده متضرر میگردد! ولی این بار کنفرانس جهانی که در کوپنهاگن مرکز دنمارک تدویر می یابد، ایالات متحده مجبور است تا این قرار داد را امضاً نماید، زیرا توقعات آنها از

سائركشورها از حد گذشته و خود حاضر به انجام هيچگونه تعهداتي نيستند. اين وضع ناموزون در سطح جهان ناراحتي هاي زيادي را باعث شده و سازمانها و احزاب هيكلوژيك ديگر تداوم اين فاجعه ها را تحمل ندارند.

البته مسائل مربوط به سياست داخلي آلمان نيز در بيانيه خانم ميركيل نكات خيلي ها غير واقعبينانه را با خود داشت كه از مكث برآن دوري ميجوئيم ورنه سخن روز به درازا مي كشد.

* از بيانيه اي انگيلا ميركيل در جلسه مشترك پارلمان و سنای ايالات متحده امريكا